

آثار اعتراض به رأی داوری در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها

حسین اسکندری*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۷/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۰/۱۶)

چکیده:

اعتراض به رأی داوری در کشور مبدا در دو مرحله دارای آثار متفاوت است. مطابق اسناد بین‌المللی در مرحله رسیدگی به اعتراض، با توجه به اینکه رأی مورد اعتراض دارای وصف الزام‌آور است، ایراد مفتوح بودن رسیدگی‌های اعتراض مانع از اجرای رأی در سایر کشورها نیست. تعلیق یا ابطال رأی در کشور مبدا بر خلاف رسیدگی‌های ابطال در قوانین ملی و نیز اسناد بین‌المللی بویژه کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک به عنوان یکی از مبانی رد درخواست اجرا پذیرفته شده است. البته گرایش جدید در رویه داوریه‌های تجاری بین‌المللی در زمینه "اجرای آرای داوری ابطال شده" به استناد روح کنوانسیون نیویورک بوجود آمده و در رویه قضایی برخی کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

رأی داوری، کشور مبدا، اعتراض، ابطال، شناسایی و اجرا، تعلیق، تعویق.

مقدمه

چنانچه بازنده رسیدگی‌های داوری در کشور مبدأ نسبت به رأی داوری اعتراض کند و همزمان پیروز این دعوی در کشور دیگر، اجرای رأی را درخواست کند؛ دادگاه محل اجرا چه تصمیمی در این زمینه اتخاذ خواهد کرد. در اینجا دو حالت و وضعیت را باید از هم جدا کرد: حالت اول، درخواست شناسایی و اجرای رأی است که در کشور مبدأ رسیدگی‌های ابطال مربوط به آن در جریان است. حالت دوم، درخواست شناسایی و اجرای رأی است که در کشور مبدأ ابطال شده است. با توجه به اینکه موضوع مقاله بیشتر به اجرای آرا مرتبط است لذا بیشترین ارتباط مطالب نیز با کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و رویه قضائی کشورهای عضو کنوانسیون در این زمینه خواهد بود.

مطالب این مقاله را در دو گفتار ارائه می‌کنیم. گفتار اول به بررسی اثر درخواست ابطال رأی و شروع رسیدگی‌های مربوط به آن در کشور مبدأ نسبت به درخواست اجرای آن در کشورهای دیگر و نیز در خود کشور مبدأ اختصاص دارد. در گفتار دوم، اثر ابطال رأی داوری بررسی شود.

گفتار اول- آثار رسیدگی‌های مربوط به اعتراض به رأی در کشور مبدأ

آیا محکوم علیه رأی داوری بر این مبنا که او در کشور مبدأ نسبت به اعتبار رأی اعتراض کرده می‌تواند از دادگاه تقاضای رد درخواست اجرا را بکند؟ و چنانچه چنین تقاضایی از دادگاه محل درخواست اجرا بشود دادگاه چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد؟

مبحث اول- عدم امکان رد درخواست اجرا به دلیل شروع رسیدگی‌های ابطال

بند اول- کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷

براساس قسمت «ت» بند دو ماده یک کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ راجع به اجرای احکام داوری برای تحصیل اجرای رأی داوری خارجی ضروری بود: «که رأی در کشوری که صادر شده نهایی شده باشد؛ به این معنی که چنین تلقی شود که راه اعتراض، پژوهش خواهی یا پژوهش نقضی (در کشوری که چنین اشکال رسیدگی وجود دارد) باز است یا اثبات شود که هر گونه رسیدگی به قصد اعتراض به اعتبار رأی در حال رسیدگی است».

بر این اساس، رأی در صورتی قابل اجرا بوده که دارای وصف «نهایی» بوده باشد. در توضیح وصف «نهایی» رأی نیز همین مقرره اظهار می‌دارد که رأی در صورتی نهایی است که راه هیچ گونه اعتراض، پژوهش ماهوی یا فرجام‌خواهی به رأی باز نباشد و صرف تقدیم دادخواست اعتراض به رأی در کشور مبدأ این وصف را از رأی سلب می‌کند. لذا به موجب

کنوانسیون ژنو در جریان بودن رسیدگی‌های ابطال در کشور مبدأ به عنوان یکی از مبانی رد درخواست اجراء بوده است (Van Den Berg, 1981 P.333).

مطابق این مقرره، متقاضی اجراء نهایی بودن رأی را تنها با ارائه اجازه اجرا که بوسیله دادگاه کشور مبدأ صادر می‌شود می‌تواند اثبات کند و از آنجا که دستور اجرای دیگری در کشور محل درخواست اجراء لازم است این رویه کنوانسیون به سیستم دستور اجرای دو گانه معروف است (Ibid, P.334).

رژیم اجرایی کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو نقشی عمده و مهم به دادگاه‌های مقر داوری داده است، اولاً با فرض ابطال رأی به عنوان یکی از مبانی امتناع از اجراء، ثانیاً با مقرر داشتن اینکه طرفی که درخواست اجرای رأی را کرده بایستی ثابت کند که رأی در کشوری که صادر شده نهایی بوده است (Gharavi, 2002, P.48).

بند دوم - کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک

به موجب قسمت هـ بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک: «شناسایی و اجرای رأی ممکن است به تقاضای کسی که علیه او رأی مورد استناد قرار گرفته رد شود، فقط در صورتی که طرف مزبور نزد مرجع صالح محلی که در آنجا تقاضای شناسایی و اجرای رأی شده دلیلی ارائه نماید که: «... ه رأی هنوز نسبت به طرفین الزام آور نشده یا بوسیله مرجع صالح کشوری که در آن یا به موجب قانون آن، رأی صادر شده ابطال یا معلق شده است».

در این مقرره تفاوت بین طرق عادی و فوق العاده بر اساس اصطلاح «الزام آور» ایجاد شده است. همان گونه که در بالا ذکر شد طرق عادی شکایت برای مشخص کردن پژوهش ماهوی در داوری ثانوی یا در دادگاه دولتی استفاده می‌شوند در حالی که طرق فوق العاده صرفاً در موارد بی‌نظمی‌های شکلی خاص که رأی را خدشه دار می‌سازد و عمدتاً در قالب فرجام خواهی شکلی بکار می‌روند. تفاوت مطرح شده برای روشن ساختن این مطلب است که اگر رأی هنوز برای اتخاذ تصمیم دیگر مفتوح باشد، الزام آور تلقی نمی‌شود؛ در حالی که اگر برای سایر طرق شکایت مفتوح باشد این امر مانع از الزام آور بودن رأی نمی‌باشد.

هدف طراحان کنوانسیون از حذف «دستور اجرای دوگانه» با استفاده از عبارت «الزام آور» در قسمت هـ بند یک ماده پنج بوسیله دادگاهها نیز به اتفاق آراء پذیرفته شده است. به عنوان مثال، دادگاه فرانسوی ایراد خوانده فرانسوی به درخواست اجرای رأی صادره در آلمان را که اظهار می‌داشت هیچ‌گونه اجازه اجرا بوسیله دادگاه آلمانی صادر نشده، رد کرد. استدلال دادگاه این بود: همان‌گونه که کنوانسیون سیستم دستور اجرای دوگانه را کنار گذاشته است، اخذ اجازه اجرا از کشور محل صدور لزومی ندارد (Van Den Berg, Ibid, P.337).

در پاسخ به این سؤال که رای از چه لحظه‌ای رأی الزام آور است تفسیر قضائی غالب این بوده که آن را به قانون قابل اعمال نسبت به رأی احاله داده‌اند. قانون قابل اعمال بر اساس قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون قانون کشوری است که در آنجا یا به موجب قانون آن رأی صادر شده است (کشور مبدأ). در جریان رسیدگی‌های اجرایی مربوط به یک رأی صادره در انگلیس خواننده ایتالیایی در برابر دادگاه استیناف ناپل مقاومت می‌کرد با این ادعا که رأی باید در انگلستان قابل اجرا اعلام می‌شد. ولی دادگاه این دفاع را رد کرد با این استدلال که: «اثر قانونی رأی به موجب قانون ایتالیا نبوده است که طبق آن، رأی فقط با دستور اجرا الزام آور می‌شود، بلکه باید بر اساس قانون انگلستان تعیین شود که به موجب آن برای اعطای اثر الزام آور بودن به رأی اجازه اجرا ضروری نیست» (Ibid, P.338)

قانون موافقت نامه‌ها و آرای داوری خارجی سوئد مصوب ۱۹۷۱ (اصلاحی ۱۹۷۶) که کنوانسیون نیویورک را وارد نظام حقوقی این کشور کرد، تنها قانونی است که به صراحت مقرر می‌دارد: نیروی الزام آور رأی به موجب قانون قابل اعمال معین می‌شود. قسمت پنج بند یک ماده هفت این قانون که نقش قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون را ایفاء می‌کند، مقرر می‌دارد: «رأی هنوز قابل اجرا نشده یا در کشوری که در آنجا یا به موجب قانون آن صادر شده الزام آور نشده است یا بوسیله مرجع صالح در کشور مذکور ابطال یا معلق شده است». از تصمیمات قضائی که در بالا به آنها اشاره شد آشکار می‌شود که دادگاهها عموماً بر این اعتقادند که رأی بر اساس قسمت ه بند یک ماده پنج از لحظه‌ای که به موجب قانون حاکم بر آن صادر می‌شود یا از لحظه‌ای که شرایط مزبور بر اساس قانون قابل اعمال شرط معادل «الزام آور» را دارا می‌شود، الزام آور است. به این نکته نیز باید اشاره کرد که امکان پژوهش ماهوی در دادگاه باید پژوهش واقعی باشد. لذا چنانچه قانون داوری کشوری همانند ماده ۳۶ کنکوردای سوئیس، دلیلی برای ابطال رأی بر مبنای نقض آشکار قانون یا انصاف را پیش بینی می‌کند- این، پژوهش ماهوی مورد نظر قسمت ه بند یک ماده پنج تلقی نمی‌شود.

مبحث دوم- امکان به تعویق انداختن تصمیم در خصوص اجرا

ماده شش کنوانسیون نیویورک مقرر می‌دارد: «چنانچه از مرجع صالح مزبور در ماده پنج (بند یک/ ه) تقاضای ابطال یا تعلیق رأی داوری شده باشد مرجعی که تقاضای شناسایی و اجرای حکم نزد او مطرح است می‌تواند، چنانچه مقتضی ببیند، دستور اجرای رأی داوری را به تعویق بیاورد و همچنین می‌تواند بنا به تقاضای طرفی که درخواست شناسایی و اجرای حکم را کرده است طرف دیگر را مکلف سازد که تضمینی مناسب تودیع نماید».

به موجب کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو صرف درخواست ابطال رأی در کشور مبدأ به عنوان مبنایی کافی برای امتناع از اجرای آن در کشورهای دیگر طرف قرارداد تفسیر می‌شد. این مقرر به آسانی اجرای رأی را به تأخیر می‌انداخت هر چند در اکثر موارد ابطال رأی برای به تعویق انداختن اجرا درخواست می‌شد. مسأله این بود که چگونه می‌توان حق طرف بازنده با حسن نیت برای اعتراض به اعتبار رأی در کشور مبدأ را تضمین کرد. طراحان کنوانسیون نیویورک راه حلی معقول برای این مسأله پیش بینی کردند. از یک طرف آنها در قسمت ه بند یک ماده پنج مقرر داشتند که اجرای رأی ممکن است رد شود اگر رأی بگونه مؤثر در کشور مبدأ ابطال یا معلق شده باشد. از سوی دیگر، در ماده شش چنین آورده اند که اگر ابطال یا تعلیق رأی در کشور مبدأ درخواست شود دادگاه می‌تواند تصمیم به اجرای رأی را چنانچه مقتضی و مناسب ببیند به تعویق بیندازد، البته تا زمانی که دادگاه کشور مبدأ در خصوص ابطال یا تعلیق تصمیم نگرفته است، و همچنین می‌تواند با درخواست خواهان از خواننده تودیع تضمین مناسب را بخواهد.

تصمیم در خصوص اینکه در صورت درخواست ابطال یا تعلیق رأی از کشور مبدأ دادگاه تصمیم نسبت به اجرا را به تأخیر بیندازد و به خواننده دستور تودیع تضمین مناسب بدهد مسأله‌ای اختیاری و به صلاحدید دادگاه است. این، از عبارت "اگر مناسب و مقتضی تشخیص دهد" و "می‌تواند" مذکور در ماده شش بر می‌آید. مطابق با تفکیک صورت گرفته بین جزء دوم قسمت ه بند یک ماده پنج و ماده شش، دادگاهی که اجرای رأی از آن درخواست شده تصمیم در خصوص اجرا را به تأخیر خواهد انداخت اگر متقاعد شود که درخواست ابطال یا تعلیق رأی در کشور مبدأ با حربه تأخیری اقامه نشده است بلکه مبتنی بر دلایل معقول می‌باشد. لذا این مقرر دلالت دارد بر اینکه خواننده بار اثبات اینکه رأی دارای عیبی شبیه آنچه در کشور مبدأ سبب ابطال می‌باشد را به عهده دارد.

دادگاهها در چند مورد در زمینه درخواست تعویق رسیدگی‌های اجرایی اتخاذ تصمیم کرده‌اند. یکی از این موارد تصمیم دیوان عالی سوئد در دعوی گوتاورکن علیه شرکت لیبیایی (جی ان ام تی سی) است. پس از صدور رأی در فرانسه به نفع گوتاورکن، این شرکت رسیدگی‌های اجرایی را در سوئد آغاز کرد. جی ان ام تی سی پس از شروع رسیدگی‌های ابطال در فرانسه، از دادگاه سوئدی تقاضا کرد تا تصمیم در خصوص اجرا را تا روشن شدن نتیجه رسیدگی‌های ابطال به تعویق بیندازد. دادگاه سوئدی این درخواست را رد کرد: «با توجه به اهداف کلی کنوانسیون و قانون ۱۹۷۱ که بر مبنای تسریع اجرای آرای داوری خارجی تنظیم شده‌اند... نمی‌توان گفت که اوضاع و احوالی وجود دارد که تعویق تصمیم در خصوص اجرا

در این قضیه را بر مبنای دادرسی شروع شده در فرانسه بوسیله جی ان ام تی سی توجیه می‌کند.»

در این تصمیم دیوانعالی کشور سوئد، قاضی برنتسون (یکی از قضات دیوانعالی) با اکثریت قضات اختلاف نظر داشت. او خاطر نشان می‌سازد: " دلایل استنادی جی ان ام تی سی علیه رأی به گونه‌ای است که هر چند رأی بر اساس قانون سوئد غیر معتبر نخواهد بود ولی این امکان، که دادگاه فرانسوی ممکن است به نتیجه گیری مغایری برسد، نمی‌تواند نادیده گرفته شود. لذا نظر به مراتب بالا و موضوعات مندرج در پرونده من دلایل موجه به نفع تعویق تصمیم نسبت به اجرای رأی نمی‌بینم" (Ibid, P.354). آنگونه که از اظهار نظر قاضی برنتسون استفاده می‌شود مهم‌ترین علتی که برای توجیه تعویق رأی وجود دارد جلوگیری از اتخاذ تصمیم متعارض است زیرا هر چند مبنای ابطال ارائه شده در کشور مبدأ به عنوان مبنایی برای توجیه تعویق در کشور محل درخواست اجرا نباشد ولی همین صرف احتمال صدور تصمیمات متعارض در برخی موارد دادگاهها را قانع کرده که حکم به توقیف رسیدگی‌های مربوط به اجرا تا تعیین تکلیف رسیدگی‌های مربوط به ابطال بدهند.

همچنین می‌توان به تصمیم دادگاه شهرستان پاریس در قضیه شرکت سن - گوبن اشاره کرد (Ibid, P.354). یکی دیگر از این موارد تصمیم دادگاه ناحیه‌ای آمریکا در دعوی شرکت هندی فریتالایزر علیه شرکت آمریکایی آی. دی. آی می‌باشد. در این دعوی دادگاه ناحیه‌ای آمریکا علی‌رغم رد اعتراضات شرکت آمریکایی به اصل اجرای رأی، با تقاضای توقیف رسیدگی‌های اجرایی، با توجه به اختیار مطلق که ماده شش کنوانسیون به دادگاه کشور محل درخواست اجرا در این زمینه اعطا کرده است، موافقت کرد. (جنیدی، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، ۱۳۸۱ ص ۱۵۲).

در دعوی معروف شرکت با مسئولیت محدود پابالک تیجارت سیرکتی علیه نرسلر در دیوان داوری اتاق بازرگانی رأیی به نفع خواهان صادر شد. پابالک اجازه اجرای رأی را نیز در فرانسه بدست آورد. شرکت نرسلر نیز از دادگاه وین درخواست ابطال رأی را کرد ولی دادگاه وین تقاضای ابطال را رد کرد. از هر دو رأی صادره پژوهشخواهی به عمل آمد. دادگاه پژوهش پاریس تصمیم به توقیف اجرا تا تعیین تکلیف دعوایی که به طور موازی در وین در دست رسیدگی بوده گرفت. دلیلی که برای اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دادگاه عنوان شده این است: «اگر رأی داوری بوسیله دادگاه پژوهش وین کنار گذاشته شود درخواست صدور اجازه اجرا نیز بی معنی خواهد شد» (جنیدی، منع پیشین، ص ۱۵۳).

کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ نیز در بند چهار ماده ۵۱ و بند پنج ماده ۵۲ موارد توقیف اجباری و اختیاری رأی را برشمرده است. بر اساس این کنوانسیون در مواردی که تقاضای بازنگری یا ابطال رأی مطرح شود دیوان، چنانچه اوضاع و احوال را مقتضی و مناسب

تشخیص دهد، می‌تواند اجرای رأی تحت رسیدگی را موقوف سازد. ولی اگر خواهان بازنگری یا ابطال رأی در درخواست خود تقاضای توقیف را نیز ذکر کرده باشد توقیف اجرا تا هنگام صدور حکم نسبت به درخواست اجباری است (منبع پیشین، ص ۱۵۰).

گفتار دوم- اثر تعلیق یا ابطال رأی

مبحث اول- اثر تعلیق رأی در کشور مبدأ (Suspension of the award)

جزء دوم قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک از تعلیق رأی بوسیله دادگاه‌های کشور مبدأ به عنوان مبنایی برای امتناع از اجرا یاد می‌کند. مطابق ماده شش کنوانسیون، دادگاه محل درخواست اجرا می‌تواند در صورتی که خواننده در کشور مبدأ برای تعلیق اقدام کرده باشد تصمیم خود در خصوص اجرا را به تعویق بیندازد. هر چند منظور طراحان کنوانسیون از تعلیق رأی بوسیله دادگاه کشور مبدأ دقیقاً واضح نیست ولی نویسندگان حقوقی و نیز دادگاهها آن را به تعلیق قابلیت اجرا یا اجرای رأی بوسیله دادگاه مبدأ تفسیر کرده‌اند. (Van Den Berg, OP.cit P.351).

اصطلاح تعلیق در کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو بکار نرفته بود و به نظر نخستین بار در طرح پیش نویس شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (ECOSOC) در سال ۱۹۵۵ بود که در بند دو ماده سه مقرر می‌داشت که برای تحصیل اجرا خواهان باید ثابت کند: "که رأی در کشوری که صادر شده نهایی و معتبر بوده و بخصوص، اینکه اجرای آن معلق نشده است." در قوانین ملی برخی کشورها با تقدیم درخواست ابطال رأی به دادگاه رأی داوری خود به خود و به حکم قانون تا تعیین تکلیف رسیدگی‌های مربوطه به حالت تعلیق در می‌آید. آیا چنین تعلیقی برای صدور حکم به امتناع از اجرا بوسیله دادگاه رسیدگی کننده به درخواست اجرا کافی است یا اینکه تعلیق باید بوسیله مقام قضایی رسیدگی کننده به درخواست ابطال صورت گرفته باشد؟

در پاسخ این سؤال باید گفت برای اینکه تعلیق رأی مبنایی برای امتناع از اجرای رأی باشد خواننده باید اثبات کند که تعلیق بوسیله دادگاه کشور مبدأ صورت گرفته است. این قاعده به وضوح در قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون بیان شده است: "حکم داوری... بوسیله مرجع صالح... معلق شده است." لذا تعلیق خودکار رأی داوری بوسیله قانون کشور مبدأ کافی نیست. قوانین داوری برخی از کشورها، از جمله فرانسه برقراری رسیدگی‌های ابطال در این کشور را موجب تعلیق خودکار رأی می‌داند. اگر چنین تعلیقی برای فراهم شدن مقرر مذکور در ماده پنج کنوانسیون کافی باشد، سیستم کنوانسیون لغو و بیهوده خواهد بود و به این معنی خواهد بود که با صرف درخواست ابطال رأی در کشور مبدأ - که اغلب با هدف به تأخیر انداختن

اجرای رأی اقامه می شود- اجرای آن باید در دیگر کشورهای طرف قرارداد امتناع شود. این تفسیر کاملاً مخالف با مقرر الزام آور بودن رأی است که در جزء اول مقرر فوق ذکر شده است.

این قاعده بوسیله دیوانعالی کشور سوئد در قضیه گوتاورکن علیه جی ان ام تی سی نیز تأیید شده است: «... جی ان ام تی سی همچنین استدلال کرده که بر اساس قانون فرانسه اعتراض به رأی به طور خودکار قابلیت اجرای رأی را که دادگاه صالح در حال رسیدگی نسبت به اعتبار آن است به حال تعلیق در می آورد. از نظر جی ان ام تی سی، این تعلیق، بر اساس قسمت پنج یک ماده هفت قانون ۱۹۷۱ سوئد موجب تعلیق اجرا می باشد. بر اساس متن این قانون و سابقه تاریخی آن... این مقرر اشاره به وضعیتی دارد که پس از بررسی صورت گرفته، مرجع صلاحیت دار خارجی دستور ابطال رأی الزام آور یا قابل اجرا یا دستور تعلیق اجرای آن را صادر می کند، جی ان ام تی سی هنوز اثبات نکرده که چنین تصمیمی در رسیدگی های مربوط به اعتراض به رأی صادر شده است» (Ferrante, 1982.P.131).

مبحث دوم- اثرباطال رأی

در بند اول این مبحث به نظریه ای که از اقبال عمومی نیز برخوردار بوده و موافق قواعد عمومی حقوق نیز هست یعنی "ابطال رأی موجب رد درخواست اجراست" می پردازیم. بند دوم به بررسی رویکرد جدید که بیشتر ساخته رویه قضائی برخی کشورها و نه قوانین ملی است یعنی "امکان اجرای رأی ابطال شده" اختصاص دارد.

بند اول- ابطال رأی موجب رد درخواست اجراست

به موجب قسمت هـ بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک: "۱. درخواست شناسایی و اجرای حکم داور فقط در صورتی می تواند به تقاضای کسی که علیه او به حکم استناد شده، رد شود که طرف مزبور نزد مرجع صالح محلی که در آنجا تقاضای شناسایی و اجرای حکم شده است دلایل و مدارک مثبت ارائه دهد مبنی بر اینکه: «... هـ. حکم داور... بوسیله مرجع صالح کشوری که حکم در قلمرو آن یا حسب قوانین آن صادر شده، ابطال یا معلق گردیده است...».

وقتی یک حکم داور ابطال شد وجود خود را از دست می دهد لذا چیزی برای اجرا باقی نمی ماند. در هر نظام حقوقی معین حکم (دادگاه) وقتی بوسیله دادگاه بالاتر ابطال می شود وجود خود را از دست می دهد و دیگر نمی توان از حق یا تکلیفی به موجب چنین رأی سخن گفت. در مورد آرای داور نیز چنین است. حقوقی که برای پیروز رسیدگی های داور وجود

دارد مبتنی بر رأی است که از داوری مورد توافق خود طرفین نشأت می‌گیرد لذا هر گاه رأی منشأ این حقوق از بین برود خواهان اجرا برای استحقاق این حقوق مبنای مستندی ندارد (Lastenouse, 1999.P.25).

از سوی دیگر، به موجب یک اصل شناخته شده در حقوق بین‌الملل خصوصی، هیچ حقی نمی‌تواند در کشور دیگر اثری بیشتر از آنچه در کشور اصلی داشته بوجد آورد. توضیح اینکه اگر حقی مطابق قانون کشور محل تشکیل آن ساقط شود در خارج آن کشور نیز باید ساقط شده محسوب شود (الماسی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱).

مطابق بند دو ماده نه کنوانسیون ۱۹۶۱ اروپایی، در کشورهای عضو کنوانسیون که عضو کنوانسیون نیویورک نیز هستند دلیل امتناع از اجرای رأی مزبور در قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک (ابطال رأی در کشور مبدأ) محدود به مواردی شده است که رأی در کشور مبدأ بر اساس مبانی مزبور در بند اول ماده نه ابطال شده باشد. مبانی مزبور در بند یک ماده نه نیز تشابه زیاد با مبانی "الف" تا "د" بند یک ماده ۵ کنوانسیون نیویورک دارند. امتیازی که راه حل کنوانسیون اروپایی دارد، این است که موارد ابطال مزبور در قوانین داوری کشورهای مبدأ را محدود به دلایل امتناع از اجزای مزبور در کنوانسیون می‌کند. بویژه ابطال رأی در کشور مبدأ بر مبنای نظم عمومی آن کشور مبنایی برای امتناع از اجرا در این سیستم نیست. ولی این وضعیت ممکن است به این منجر شود که اگر اجرای رأی در کشور مبدأ خواسته شود بر مبنای دلایل ابطال مزبور در قانون آن کشور تقاضای اجرا رد شود ولی اگر اجرای همان رأی در کشورهای دیگر طرف قرارداد خواسته شود اجرای رأی نمی‌تواند به دلیل ابطال رأی در کشور مبدأ بر اساس مبانی ابطال که در کنوانسیون ذکر نشده‌اند، رد شود.

در اینجا باید به رأی دیوانعالی هلند در قضیه شرکت اس. ای. ای. ای (فرانسوی) علیه کشور یوگسلاوی اشاره کنیم. در این قضیه رأی به نفع شرکت اس. ای. ای. ای صادر و پیرو آن یوگسلاوی در دادگاه کانتون ود تقاضای ابطال رأی را کرد. دادگاه رأی صادره را رأی داوری به مفهوم مطروحه در قانون آیین دادرسی مدنی کانتون مزبور تلقی نکرده و از ثبت و اجرای آن امتناع ورزید. در ادامه شرکت فرانسوی از دادگاه هلندی اجرای رأی را تقاضا کرد ولی دیوانعالی هلند عمل استرداد رأی داوری و عدم ثبت و صدور اجرائیه را در حکم تصمیم ابطال رأی بوسیله دادگاه سوئیس تلقی و درخواست اجرای آن را رد کرد (جنیدی، منبع پیشین، ص ۱۵۵).

بند دوم- امکان اجرای رأی ابطال شده

در اینجا نخست به بررسی موضع کنوانسیون نیویورک از دیدگاه موافقان اجرای آرای داوری ابطال شده (الف) و سپس به بیان رویه قضائی کشورهایی که در آنها اجرای آرای داوری ابطال شده پذیرفته شده است (ب) می‌پردازیم.

الف- اجرای آرای ابطال شده موافق با متن و روح کنوانسیون نیویورک است

۱- متن کنوانسیون

به نظر یکی از حقوقدانان: "کنوانسیون نیویورک اجازه می‌دهد که آرای داوری صادره در یک کشور عضو کنوانسیون بتواند در دیگر کشورهای عضو بدون توجه به ابطال آن در کشوری که در آنجا یا به موجب قانون آن صادر شده، اجرا شوند" (Lastenouse op.cit.P.26). اگر کنوانسیون نیویورک چنین موضعی اتخاذ کرده بود که به محض اینکه رأی ابطال شده است وجود خود را از دست می‌دهد و لذا هیچ چیزی برای اجرا وجود ندارد، به نظر می‌رسد که نیازی به جزء دوم قسمت ه بند یک ماده پنج نبوده است. ماده پنج نسبت به آرای مشمول کنوانسیون اعمال می‌شود و دلایلی را که امتناع از شناسایی و اجرای چنین آرای توجیه می‌کند ذکر کرده است. یکی از این دلایل قسمت ه بند یک ماه پنج است که مقرر می‌دارد در صورت ابطال رأی در کشور مبدأ می‌توان از شناسایی و اجرای آن امتناع کرد. این مقرر به هر مفهومی تعبیر شود، دلالت بر این امر دارد که رأی ابطال شده داخل در کنوانسیون نیویورک می‌باشد. اگر کنوانسیون این موضع را اتخاذ کرده بود که رأی ابطال شده رأی نیست که کنوانسیون نسبت به آن اعمال شود، جزء دوم قسمت ه بند یک ماده پنج نمی‌توانست جزئی از ماده پنج باشد در حالی که این ماده فقط نسبت به آرای مشمول کنوانسیون اعمال می‌شود. ماده یک کنوانسیون مقرر می‌دارد کنوانسیون نسبت به شناسایی و اجرای آرای داوری صادره در کشوری غیر از کشور محل درخواست شناسایی و اجرا اعمال می‌شود. نه ماده یک و نه هیچ کدام از دیگر مواد کنوانسیون آرای ابطال شده را از دسته آرای مشمول کنوانسیون مستثنی نمی‌کنند. تنها مقرره‌ای که در کنوانسیون به آرای ابطال شده پرداخته قسمت ه بند یک ماده پنج می‌باشد. نتیجه‌ای که برخی نویسندگان از این موضوع گرفته‌اند این است که آرای داوری ابطال شده نیز مشمول کنوانسیون نیویورک هستند. کنوانسیون اجرای جزئی مقرراتش را پیش بینی نکرده است لذا اگر رأی، مشمول آن باشد، همه موارد کنوانسیون باید نسبت به آن اعمال شود و همان‌گونه که آراء بوسیله کنوانسیون مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آرای ابطال شده نیز همانند سایر آراء از قاعده مقرر در ماده هفت کنوانسیون بهره‌مند می‌شوند (Ibid, P.27).

از سوی دیگر، کنوانسیون یک شیوه بسیار آزادگرایانه‌ای مقرر داشته که حتی با وجود یکی از مبانی مزبور در ماده پنج، دادگاه محل درخواست اجرا می‌تواند شناسایی و اجرا را بپذیرد: ماده هفت کنوانسیون به صراحت به طرف ذی نفع این حق را داده که به شیوه و تا حدود اجازه داده شده بوسیله قانون یا معاهدات کشوری که اجرا در آنجا خواسته شده است از رأی بهره مند شود. با توجه به ممنوعیت رد درخواست شناسایی و اجرا بر اساس دلایلی غیر از دلایل مقرر در ماده پنج، این موضوع به خوبی از ماده هفت کنوانسیون استنباط می‌شود که وقتی قوانین داخلی یا معاهدات کشور محل درخواست اجرا در مورد اجرای رأی دارای شرایط سهل‌تر و آزادگراتر از کنوانسیون نیویورک هستند هر ذی نفعی این حق را دارد که به جای استناد به کنوانسیون از قانون یا معاهدات آن کشور استفاده کند. لذا می‌توان این نتیجه را گرفت که کنوانسیون در نظر داشته تمام آرای را که مشمول کنوانسیون هستند (حتی آرای ابطال شده) می‌توانند بر مبنای قانون یا عهد نامه‌های کشور محل درخواست اجراء، اجرا شوند حتی اگر یکی از مبانی مندرج در ماده پنج در خصوص رأی مصداق داشته باشد (Ibid).

از طرف دیگر برخی معتقدند ماده پنج کنوانسیون به قاضی محل درخواست شناسایی و اجرا این اختیار را داده که حتی در فرضی که یکی از مبانی مندرج در بند یک ماده پنج وجود دارد شناسایی و اجرا را اعطا کند. این نظریه مبتنی بر عبارت استفاده شده در بند یک ماده پنج است که مقرر می‌دارد: شناسایی و اجرا "می‌تواند یا ممکن است" (may) در برابر باید یا بایستی (must or shall) امتناع شود. در چهار نسخه از پنج نسخه معتبر کنوانسیون تفسیر تحت اللفظی این نتیجه را به دنبال داشته که قاضی دادگاه محل درخواست اجرا بر اساس ماده پنج اختیار بررسی مبانی رد اجرا و صدور دستور اجرا با وجود احراز یکی از مبانی رد اجرا را دارد. متن فرانسوی بند یک ماده پنج با بقیه نسخه‌ها متفاوت است: «شناسایی و اجرای رأی نباید امتناع شود... مگر اینکه...» مفهوم طبیعی این عبارت این باشد که اگر یکی از مبانی ذکر شده در بند یک ماده پنج وجود داشته باشد شناسایی و اجرا باید امتناع شود. لذا اگر از لغت "ممکن است یا می‌تواند" (may) مندرج در بند یک ماده پنج "باید" و معنای الزام استنباط شود، نمی‌توان گفت اختیاری به قاضی رسیدگی‌های اجرایی اعطا شده است و این امر مخالف با ماده هفت کنوانسیون خواهد بود. اگر به موجب کنوانسیون نیویورک دادگاه مجبور باشد در صورت وجود یکی از مبانی مندرج در ماده پنج از اجرای رأی امتناع کند، به این معنی خواهد بود که کنوانسیون به مبانی مندرج در ماده پنج چنان اهمیتی داده که آرای تحت تأثیر یکی از این دلایل هرگز نباید مورد شناسایی و اجرا قرار گیرند و اگر چنین باشد، کنوانسیون به طرف ذی نفع این اختیار را نداده که از مقررات ماده هفت استفاده کند (Ibid p.29).

۲- روح کنوانسیون

استدلالی که از سوی برخی نویسندگان در خصوص مطابقت اجرای رأی ابطال شده با روح کنوانسیون نیویورک شده به این صورت است:

اولاً- چنانچه شناسایی و اجرا به دلایلی خارج از دلایل مندرج در ماده پنج رد شود، کنوانسیون نقض شده است. زیرا کنوانسیون چنین مقرر نداشته که شناسایی و اجرای رأی رد می‌شود وقتی یکی از دلایل مندرج در بند یک ماده پنج موجود است حتی به هنگامی که اعمال قانون یا معاهدات کشور محل درخواست اجرا اجازه اجرا را می‌دهد، لذا با اعطای اجرا بر مبنای قانون یا عهد نامه‌های کشور محل درخواست اجرا کنوانسیون نقض نمی‌شود حتی اگر اجرا مربوط به رأی ابطال شده در کشور محل صدور باشد.

ثانیاً- هدف کنوانسیون تسهیل شناسایی و اجرای آرای صادره در کشورهای عضو کنوانسیون در دیگر کشورهای عضو می‌باشد. این هدف بزرگتر از تعادل کلی کنوانسیون و تحلیل فرد به فرد مقررات کنوانسیون جلوه می‌کند. کنوانسیون اعمال رژیم‌های اجرایی محدودتر نسبت به رژیم کنوانسیون را ممنوع می‌کند؛ اما به هر یک از طرفین ذی نفع این اجازه را می‌دهد که از قانون یا معاهده آزادگراتر کشور محل درخواست اجرا برای شناسایی و اجرا، بدون در نظر گرفتن هر گونه محدودیت استفاده نمایند (Ibid, P.31).

ثالثاً- نمی‌توان گفت از مطالعه کنوانسیون چنین بر می‌آید که قصد طراحان کنوانسیون این بوده که رأی ابطال شده هرگز نمی‌تواند اجرا شود. زیرا اگر چنین قصدی را بتوان به طراحان کنوانسیون انتساب داد مشکل می‌توان دریافت که چرا آنها در متن کنوانسیون مقرر ای که به صراحت چنین اثری را ذکر کند، نیاورده‌اند. به علاوه هیچ چیز مانع از این نبوده که در کنوانسیون به صراحت ذکر کنند که آرای ابطال رأی به مفهوم مورد نظر کنوانسیون نیستند و از سوی دیگر آنها می‌توانستند این را به صراحت بگویند که ماه هفت کنوانسیون نسبت به آرای ابطال شده اعمال نمی‌شود (Ibid, P.33).

ب- رویه قضائی کشورها

رویه قضائی برخی کشورها با تفسیر موسع از کنوانسیون نیویورک و قوانین داخلی خود در مواردی نادر اقدام به اجرای آرای داور ابطال شده کرده‌اند.

۱- فرانسه: در حقوق فرانسه امکان شناسایی و اجرای آرای ابطال شده با چهار تصمیمی که در این زمینه اتخاذ شده، تثبیت یافته است. در بین دلایل امتناع از اجرای رأی مندرج در قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه (ماده ۱۵۰۲ که آ. د. م. فرانسه) به دادگاه‌های فرانسوی

اجازه اجرای آرای ابطال شده را می‌دهد. در اینجا به چهار تصمیمی که از سوی دادگاه‌های فرانسوی در این زمینه اتخاذ شده است، می‌پردازیم:

۱-۱) قضیه نرسلر: دیوانعالی فرانسه در تصمیم ۹/اکتبر/۱۹۸۴ خود این امکان را برای دادگاه‌های فرانسوی فراهم آورد که آرای داوری ابطال شده در کشور محل صدور را اجرا نمایند. بر اساس این رأی دیوان عالی فرانسه حکم دادگاه پژوهش پاریس در قضیه نرسلر را رد کرد که مطابق قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک، از اجرای رأی صادره در اتریش و ابطال شده بوسیله دادگاه پژوهش وین امتناع کرده بود. دیوان عالی در این قضیه حکم داد که نه تنها ماده هفت کنوانسیون نیویورک اجرای رأی بر اساس قانون فرانسه را اجازه می‌دهد بلکه، دادگاه پژوهش پاریس ملزم بوده به موجب ماده ۱۲ ق. آ. د. م جدید تعیین کند که قانون فرانسه تا چه حدود مخالف با اجراست (Gharavi, OP.cit, P.78).

۱-۲) قضیه پالیش اوشین لاین (Société polish ocean line V. Société tolasry) در این قضیه دیوانعالی فرانسه به موجب رأی ۱۰ مارس ۱۹۹۳، تصمیم دادگاه پژوهش دوئی (Douai) را که با اجرای رأی صادره و معلق شده در لهستان موافقت کرده بود تأیید کرد. دیوانعالی حکم داد که دادگاه‌های فرانسوی نمی‌توانند تصمیمشان نسبت به امتناع از اجرا را مبتنی بر قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک بکنند: "ماده هفت کنوانسیون نیویورک که هر دو کشور فرانسه و لهستان عضو آن هستند، طرف ذی نفع را از هر گونه حقی محروم نمی‌کند که می‌تواند به شیوه و تا حدود اجازه داده شده بوسیله قانون یا معاهدات کشور محل درخواست اجرا می‌تواند بدست آورد. در نتیجه دادگاه فرانسوی نمی‌تواند درخواست اجرای رأی داوری ابطال یا معلق شده در کشور محل صدور را رد کند، اگر دلایل مخالفت با اجرا، هر چند در قسمت ه بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک ذکر شده، داخل در دلایل مندرج در ماده ۱۵۰۲ قانون جدید آ. د. م. فرانسه نباشد؛ لذا تصمیم دادگاه پژوهش مبنی بر اینکه دعوی ابطال اقامه شده در لهستان و تصمیم دادگاه لهستان نسبت به تعلیق رأی نمی‌تواند امتناع از اجرای رأی در فرانسه را توجیه کند کاملاً درست و به جا بوده است." (Société polish ocean line V. Société Jolasiy, French court supreme, March 10/1993, Y.B.Comm. Arb: 1994. P.662)

۱-۳) قضیه هیلمارتن: (Société Hilmarton ltd. V. Société OTV, French Supreme Court,) (March 23/1994 xIxY.B.com. Arbitration. 1994. P.665)

در این قضیه دیوانعالی فرانسه، رویه قضائی این کشور را تثبیت کرد با تصمیم ۲۳/مارس/۱۹۹۴ خود که بر اساس آن تصمیم دادگاه پژوهش را که رأی صادره و ابطال شده در سوئیس را اجرا می‌کرد، تأیید کرد: "تصمیم دادگاه پایین تر بدرستی صادر شده و با اعمال ماده هفت کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک، او. تی. وی می‌تواند در داوری‌های بین‌المللی در زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی صادره در خارج به قانون فرانسه استناد کند. نهایتاً

اینکه رأی صادره در سوئیس یک رأی بین‌المللی است که جزئی از سیستم حقوقی آن کشور نیست، به گونه‌ای که آن معتبر و موجود خواهد ماند حتی اگر در این کشور ابطال شود و شناسایی آن در فرانسه مغایر با نظم عمومی بین‌المللی نیست."

۴-۱) قضیه کرومالوی: (Chromalloy Acroservices, Inc. V. The Arab republic of Egypt.)

(Court of appeal January 14, 1997.Y.B.xxII comm. Arb.1997.PP92-93)

سرانجام این اصل در فرانسه بطور واضح و قطعی بوسیله دادگاه پژوهش در تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ در قضیه کرومالوی پذیرفته شد. در این رأی دادگاه پژوهش تصمیم دادگاه تالی را که حکم به اجرای رأی صادره و ابطال شده در مصر داده بود تأیید کرد: "قاضی فرانسوی می‌تواند فقط در موارد معینه و محدود که بوسیله ماده ۱۵۰۲ ق. ج. آ. د. م. که قانون ملی وی در این موضوع بوده، مشخص شده و به موجب آن کرومالوی مجاز به استناد به آن بوده و این ماده برخی از دلایل امتناع از اجرای مزبور در ماده پنج کنوانسیون را در بر نمی‌گیرد، از اعطای دستور اجرا امتناع کند. رأی صادره در مصر یک رأی بین‌المللی است که وارد نظم حقوقی آن کشور نشده است، بگونه‌ای که علی‌رغم ابطال در آن کشور، معتبر باقی خواهد ماند و شناسایی آن در فرانسه مغایر با نظم عمومی بین‌المللی نیست. لذا دلایل جمهوری عربی مصر برای پژوهش خواهی بی پایه و اساس است."

با وجود استناد دادگاه‌های فرانسوی به قانون جدید آ. د. م. در اجرای آرای داوری ابطال شده باید گفت در این کشور اجرای آرای داوری ابطال شده بوسیله رویه قضائی نه قانون‌گذار و امکان پذیر شده است. توضیح اینکه دادگاه‌های فرانسوی در این زمینه به مقررات کنوانسیون نیویورک و کد جدید آ. د. م. فرانسه استناد می‌کنند. اما تفسر ادبی این مقررات بود که آنها را قادر به اعطای اجرای آرای ابطال شده، کرده است. صرف اینکه ابطال رأی در کشور محل صدور از جمله دلایل امتناع از اجرای مندرج در کد جدید آ. د. م. فرانسه نمی‌باشد نمی‌تواند به خودی خود چراغ سبز برای اجرای آرای ابطال شده باشد. به عنوان مثال قسمت ب بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک که مقرر می‌دارد طرفی که علیه او رأی مورد استناد واقع شده اختاریه‌ای مناسب از انتخاب داور یا رسیدگی‌های داوری دریافت نکرده، از جمله موانع اجرای رأی در کد جدید آ. د. م. فرانسه را تشکیل نمی‌دهد (Gharavi, op.cit, P.81).

۲- بلژیک: در حقوق بلژیک ماده ۱۷۲۳ که قضائی این کشور همانند ماده ۱۵۰۲ که آ. د. م. فرانسه صریحاً ابطال رأی در کشور مبدأ به عنوان یکی از دلایل امتناع از اجرا پیش بینی نکرده است. در قضیه سوناتراش دادگاه شهرستان درخواست نقض دستور اجرا را رد کرد به این دلیل که درخواست کننده عدم اجرا نتوانسته بود یکی از دلایل امتناع از اجرای مندرج در ماده ۱۷۲۳ که قضائی این کشور را اقامه نماید که همان‌گونه که اشاره شد این ماده ابطال رأی در کشور

مبدأ را به عنوان یکی از مبانی امتناع از اجرا ذکر نکرده است. طرفی که درخواست عدم اجرای رأی را کرده بود صرفاً به قسمت هـ بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک استناد کرده بود که دادگاه در این قضیه حکم داد که به هنگام صدور رأی الجزایر (کشور محل صدور و ابطال رأی) به این کنوانسیون ملحق نشده است (Decision of December 6, 1988 Le. Transportet La Commercialisation des Hyarocarbus (sanatrach) v.ford, Bacon and davis Inc, xv.Y.b.com.Arb.1990.P.370).

اجرای آرای ابطال شده بر اساس قانون بلژیک راحت تر می‌تواند توجیه شود تا به موجب قانون فرانسه به این دلیل که نظریه غیرمحملی کردن به موجب قانون بلژیک بطور کامل پذیرفته شده است. امکان اجرای آرای ابطال شده در حقوق بلژیک از مقرره‌ای در کد قضائی نشأت می‌گیرد که به موجب آن در داوری‌های بین اشخاص غیر بلژیکی امکان اقامه دعوی ابطال وجود ندارد؛ در حالی که در حقوق فرانسه تمام آراء بین‌المللی صادره در این کشور مشمول رسیدگی‌های ابطال بدون هر گونه استثناء هستند (Gharavi, op.cit. P.88).

۳- اتریش: دیوانعالی اتریش در رأی ۱۹۹۳ خود در قضیه رادنسکا (Zdravilisce "Radenska (slovenia) V.Kajo-ErZ eujnisse Essenzen Gmb H (Austria) decision of October 20,1993,xxIV.Y.B.com.Arb.1999.P.920) تصمیم دادگاه پژوهش گراز (Graz) را که از اجرای رأی صادره در بلغراد که بوسیله دیوانعالی اسلوونی بر مبنای نقض نظم عمومی امتناع کرده بود، نقض کرد. دیوان عالی تأیید کرد که نقض نظم عمومی از جمله دلایل ابطال به موجب بند یک ماده نه کنوانسیون ۱۹۶۱ اروپایی نبوده است: "در قضیه حاضر، مورد تردید است که رأی در کشوری که در آن یا به موجب قانون آن صادر شده ابطال شده باشد، زیرا در هر دو قضیه دولت یوگسلاوی و اسلوونی دولت جانشین برای یوگسلاوی [سابق] نیستند. در عین حال در این موضوع ضرورتی برای تصمیم‌گیری وجود ندارد که ابطال رأی داوری بدلیل نقض نظم عمومی کشور محل صدور طرف قرارداد به نظر نمی‌رسد داخل در دلایل ذکر شده در بند یک ماده نه کنوانسیون اروپایی برای توجیه امتناع از شناسایی و اجرا رأی داوری باشد" (Gharavi, op.cit.P.90).

دیوانعالی اتریش موضع خود را مجدداً در رأی ۲۳ فوریه/۱۹۹۸ در همان قضیه تأیید کرد: "عدم مطابقت رأی داوری با نظم عمومی کشوری که در آنجا صادر شده مشمول دلایل مذکور در ماده نهم کنوانسیون اروپایی نیست. این به این معنی است که رأی داوری که در کشور مبدأ به دلیل نقض نظم عمومی داخلی ابطال شده می‌تواند در کشور طرف قرارداد دیگر که نظم عمومی آن نقض نشده معتبر باقی بماند."

۴- ایالات متحده: در ایالات متحده نیز امکان اجرای رأی داوری ابطال شده جایگاه قانونی نداشته و تنها در یک مورد (تا آنجایی که تحقیقات حقوقدانان نشان می‌دهد) دادگاه ناحیه‌ای با

تفسیر مقررات کنوانسیون نیویورک اقدام به این امر نموده است و آن قضیه کرومالوی می‌باشد. همان‌گونه که قبلاً نیز در این زمینه اشاره‌ای داشتیم رأی از رسیدگی‌های داوری در مصر میان شرکت کرومالوی و جمهوری عربی مصر به نفع کرومالوی صادر شد. این رأی که به مصر دستور پرداخت مبلغی معین به کرومالوی را می‌داد در ۵/دسامبر/۱۹۹۴ بوسیله دادگاه پژوهش قاهره مطابق قسمت "د" یک ماده ۵۳ قانون داوری ۲۱/آوریل/۱۹۹۴ مصر (یعنی کوتاهی در اعمال قانون مورد توافق طرفین برای حکومت نسبت به موضوع اختلاف) ابطال شد. متعاقب ابطال اما قبل از اجرای رأی در فرانسه، رأی بوسیله دادگاه ناحیه‌ای ایالت کلمبیا در ۳۱ جولای ۱۹۹۶ اجرا شد: «بر اساس کنوانسیون نیویورک شناسایی و اجرای رأی ممکن است رد شود» چنانچه مصر در دادگاه اثبات کند که... رأی... بوسیله مرجع صالح کشوری که در آنجا یا به موجب قانون آن صادر شده، ابطال شده است. در قضیه حاضر رأی در مصر و به موجب قوانین مصر صادر شده و بوسیله دادگاهی که توسط مصر برای تجدید نظر آرای داوری تعیین شده ابطال شده است، لذا دادگاه [با توجه به عبارت ممکن است (may)] می‌تواند در حدود صلاحیت خودش اعلام اجرای رأی را بکند.

با توجه به اینکه ماده پنج یک قاعده اختیاری مقرر داشته، ماده هفت کنوانسیون مقرر می‌دارد "مقررات کنوانسیون حاضر... طرف ذی نفع را از هر گونه حقی که او ممکن است از تحصیل یک رأی داوری داشته باشد به شیوه و تا حدود اجازه داده شده بوسیله قانون... کشوری که چنین رأی مورد استناد واقع شده محروم نخواهد کرد. به عبارت دیگر، کرومالوی تمام حقوق اجرایی این رأی داوری را که در فقدان کنوانسیون دارا بوده بدست می‌آورد. بدین ترتیب، دادگاه به این نتیجه رسید که اگر کنوانسیون موجود نبود قانون داوری فدرال تقاضای اجرای رأی داوری از سوی کرومالوی را قانونی و موجه تشخیص می‌داد."

این تصمیم بر دو مبنا استوار است:

اول، تفسیرادبی از بند یک ماده پنج کنوانسیون: همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد در نسخه انگلیسی کنوانسیون کلمه "ممکن است یا می‌تواند" (may) بکار رفته و دادگاه ناحیه‌ای کلمبیا نیز این نتیجه را اتخاذ کرده که این مقرر جنبه امری ندارد بلکه این اختیار را به قاضی دادگاه محل درخواست اجرا داده که حتی در صورت ابطال رأی در کشور مبدأ حکم به اجرای آن بدهد.

مبنای دوم اینکه: دادگاه ناحیه‌ای صرفاً به جواز استفاده از عبارت "may" بکار رفته در بند یک ماده پنج کنوانسیون نیویورک برای اعطای اجرای رأی ابطال شده، استناد نکرده؛ است، بلکه همانند رویه قضائی فرانسه، به بند یک ماده هفت کنوانسیون استناد کرده و متذکر شده که کرومالوی تمام حقوق مربوط به اجرای این رأی را که در فقدان کنوانسیون می‌توانست داشته

باشد، بدست می‌آورد. لذا با استفاده از بند یک ماده هفت، قسمت هـ بند یک ماده پنج کنوانسیون را به نفع قانون داوری فدرال رد کرد.

نتیجه

قوانین ملی غالب کشورها و نیز اسناد بین‌المللی، ابطال رأی داوری صادره در یک کشور را به عنوان مبنایی معتبر برای رد درخواست شناسایی و اجرای آن در دیگر کشورها قلمداد می‌کنند. رویه قضایی در این کشورها از این اصل پذیرفته شده در قوانین سرپیچی نکرده‌اند ولی رویه قضائی در برخی کشورها متمایل به این شده که ابطال رأی در کشور محل صدور دارای اثر فراسرزمینی نبوده و می‌توان حکم به اجرای چنین رأیی داد. عمده دلایل آنها تفسیر ادبی از مقررات کنوانسیون نیویورک بویژه بند یک ماده پنج و بند یک ماده هفت بوده است. در حالیکه بررسی دقیق کنوانسیون نشانگر این مسأله است که کنوانسیون در پنج نسخه با ارزش مساوی تنظیم شده و نسخه فرانسوی آن در صدر بند یک موارد امتناع از اجرا را اجباری و نه اختیاری و به صلاحدید قاضی قلمداد کرده است. لذا هیچ وقت نمی‌توان از عبارت بکار رفته در نسخه‌های دیگر که عبارت از "may" با مفهوم اختیار استفاده کرده به نتیجه قاطعی در این زمینه دست یافت، بویژه اینکه از مذاکرات طراحان کنوانسیون نیز به هیچ وجه چنین اراده‌ای مستفاد نمی‌شود.

دلیل دیگر با تفسیر بند یک ماده هفت بدست آمده است. در حالی که این مقررره مربوط به شرایط دیگر اجرا است که اگر شرایط اجرای رأی، پس از تأیید و شناسایی آن به موجب معاهدات یا قانون کشور محل درخواست اجرا سهل تر و راحت تر از مقررات کنوانسیون باشد، آن معاهده یا قانون نسبت به اجرا حاکم خواهد بود. این منافات با امتناع از اجرا بدلیل ابطال آن در کشور مبدأ ندارد. به عبارت دیگر، ابتدا باید رأی به موجب کنوانسیون قابل اجرا تشخیص داده شود تا در مرحله بعد چنانچه شرایط اجرا به موجب معاهدات یا قوانین محلی سهل تر از مقررات کنوانسیون باشد، آن قانون یا معاهده نسبت به اجرا حاکم باشد.

برخی نویسندگان حقوقی و نیز برخی قضات در توجیه نظر خود مبنی بر اجرای رأی ابطال شده به روح کنوانسیون استناد کرده‌اند. در حالی که اگر تاریخچه تدوین کنوانسیون و نظرات مطرح در آن دوره را مطالعه کنیم می‌بینیم که کنوانسیون ابتدا با عنوان کنوانسیون راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی مطرح شده بود که با توجه به عدم استقبال نمایندگان کشورها از این طرح در نهایت کنوانسیون با عنوان کنوانسیون راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی به تصویب رسید که خود این نشان دهنده پذیرش نظریه محلی بودن و تعلق

رای به یک نظام حقوق ملی معین دارد. پس نمی‌توان از روح کنوانسیون این برداشت را کرد که امکان دارد برخی دلایل ابطال مندرج در قوانین ملی کشورها دارای اثر سرزمینی باشد.

منابع و مآخذ

الف- فارسی

۱. الماسی، نجاد علی، (۱۳۷۹) *تعارض قوانین*، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم، تهران.
۲. جنیدی، لعیا، (۱۳۸۱) *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران.
۳. جنیدی، لعیا، (۱۳۷۶) *قانون حاکم در داوری های تجاری بین المللی*، نشر دادگستر، تهران.
۴. لالیو، پیر، (۱۳۷۱) *اجرای احکام داوری بین المللی*، ترجمه سوسن خطاطان، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۷-۱۶.

ب- خارجی

- 1-Ferrante, M.,(1982) “**About The Nature (National Or A-National, Contractual Or Jurisdictional)**” Of ICC Awards Under The New York Convention” Art Of Arbitration: Essays On International Arbitration Liber Amicourum, Pieter Sanders, Netherlands Kluwer Law And Taxation Publishers.
- 2-Gharavi, H.G., (2002), **Effectiveness Of The Annulment Of An Arbitral Award**, Kluwer Law International , The Hague .
- 3- Lastaneouse, Pierre, (1999) “**Why Setting Aside Of An Award Is Not Enough To Remove It From The International Arbitration**, 16(2), Kluwer Law International , Printed In Great Britain .
- 4- Sanders, P (1976 to date) **yearbook: Commercial Arbitration**.
- 5-Van Den Berg, A.J., (1981) **the New York Convention of 1958**, Kluwer.